

نصرتی که شکست‌ناپذیر است

حسین(ع)راهیمی اجتماعت شبانه مردم، یکی از مصدایق نصرت کردن دین خداست و کسانی که دین خدا را نصرت کنند، شامل این وعده قرآنی می‌شوند که نصرت و پیروزی برای آن‌ها مقدر خواهد بود.

امام شهید انقلاب در این باره می‌فرماید: «پیروزی ملت ایران و پیروزی بسیج و پیروزی این جریان عظیم انقلابی در ایران، تضمین شده است. خدای متعال در قرآن می‌فرماید اِنْ يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ؛ اگر خدا شما را یاری کند، هیچ‌کس بر شما غلبه نمی‌کند. خب، یاری کردن خدا چه جوری است؟ اِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ؛ اگر شما یاری کردید دین خدا را، جهت‌گیری الهی را، منطق خدایی را، راه خدا را، خدا هم شما را نصرت خواهد کرد و یاری خواهد کرد؛ این همان چیزی است که امروز وجود دارد. این جریان عظیم انقلابی در کشور، دارند اهداف الهی را دنبال می‌کنند، ایجاد جامعه اسلامی را دارند دنبال می‌کنند، تحقق شریعت الهی را در کشور دارند طلب می‌کنند و دنبال می‌کنند، پس کار خداست، راه خداست، نصرت خداست؛ وقتی نصرت خدا شد، خدای متعال هم نصرت خواهد کرد و وقتی خدای متعال نصرت کرد، فلا غالب لکم؛ هیچ‌کس بر شما غلبه نخواهد کرد.» (۹۶/۰۹/۱۳۹۸)

تجمعات شبانه مردم، مصداق عینی «یاری دین خدا» است؛ همان کاری که خداوند در قرآن، پیروزی حتمی را پاداش آن وعده داده است. رهبر شهید انقلاب به روشنی تأکید می‌کنند که نصرت الهی، زمانی محقق می‌شود که انسان‌ها جهت‌گیری الهی، منطق خدا و تحقق شریعت را دنبال کنند. ملت ایران با تداوم این مسیر انقلابی، مشمول وعده «اِنْ يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ» شده است و هیچ قدرتی، توان غلبه بر آن را ندارد. این پیروزی تضمین شده، نه براساس محاسبات مادی، بلکه برپایه سنت قطعی الهی است که یاری‌کنندگان دینش را هرگز تنها نمی‌گذارد.

مشاوره

یاری خدا با قلب، دست و زبان

ابراهیمی|حضرت امیرالمؤمنین^(ع) در نامه گران سنگ خود به مالک اشتر، مدیران جامعه اسلامی را به‌گونه‌ای از «یاری خدا» فرامی‌خوانند که فراتر از شعارهای سطحی و احساسی است. ایشان در آغاز این وصیت‌نامه سیاسی عبادی، پس از تبیین ۴ مأموریت اساسی، نخستین و مهم‌ترین خواسته خود را «تقوای الهی» می‌خوانند، یعنی مدیر باید طاعت خدا را بر طاعت هرکس دیگری ترجیح دهد و تنها از فرمان قرآن پیروی کند.

اما نکته عمیق‌تر آنجاست که حضرت، یاری کردن خدا را در ۳ سطح ترسیم می‌فرماید:

اول: یاری با قلب

یعنی مدیر جامعه اسلامی باید دغدغه دین داشته باشد، آرزوی پیشرفت اسلام در دل او زنده باشد و اداره جامعه را یک کار ارزشی، عبادی و مقدس بداند. این همان نیت صادقانه و عشق به سرپلندی دین است.

دوم: یاری با دست

مدیر باید با تمام وجود، تمام نیروها و همه توان خویش به میدان بیاید. نصرت الهی فقط با احساسات محقق نمی‌شود، بلکه عمل خستگی‌ناپذیر و تلاش شبانه‌روزی می‌طلبد؛ همان‌گونه که سردار سلیمانی‌ها با امکانات کم، اما با دستی پر از اخلاص و مجاهدت، تاریخ را رقم زدند.

سوم: یاری با زبان

زبان در اینجا پس از قلب و عمل قرار گرفته است؛ یعنی ابتدا باید دل پاک و حرکت صادقانه باشد، آنگاه سخن گفتن و تبیین کردن، امر به معروف و روشنگری در برابر دشمنان.

حضرت امیرالمؤمنین^(ع) در ادامه این نصیحت طلایی، ضمانتی الهی را گوشزد می‌کنند: «قَدْ تَكْفُلُ بِنَصْرِ مَنْ نَصَرْتُ»؛ یعنی خدای متعال کفالت و ضمانت کرده است که هرکه خدا را یاری کند، خداوند او را یاری خواهد کرد.

این وعده قرآنی «اِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ» هیچ استثنایی ندارد؛ همان‌گونه که خداوند اعمال کافران را ضایع نمی‌کند و به آنان نتیجه می‌دهد. هرگز نخواهد گذاشت مؤمن صادقی بی‌نتیجه بماند. یاری خدا نه فقط پیروزی ظاهری که «ثبات قدم»، «مصونیت از لغزش» و «امداد‌های غیبی» را به همراه دارد. هم‌زمان حاج قاسم به خوبی شاهد این امدادها بودند.

جامعه امروز ما بیش از هر زمان دیگری به مدیرانی نیاز دارد که این ۳ سطح یاری را باور داشته باشند؛ مدیری که قلبش برای دین می‌تپد، دستش از تلاش خالی نمی‌ماند و زبانش در مسیر حق، رساترین فریاد را سرمی‌دهد؛ این است رمز نصرت الهی.

بردار و بخوان

حکیم فرزانه‌ای که علوم انسانی را متحول کرد

اگر بخواهیم مهم‌ترین نیاز فکری جهان اسلام امروز را نام ببریم، بی‌تردید «تحول در علوم انسانی» در صدر قرار می‌گیرد، چراکه این علوم، نه فقط در دانشگاه‌ها تدریس می‌شوند، بلکه سرنوشت جامعه را نیز رقم می‌زنند، جهت فکری یک نسل را تعیین می‌کنند و مسیر تمدن‌ها را می‌سازند.

اما مشکل کجاست؟ علوم انسانی رایج امروز با بنیان‌های معرفتی و فرهنگی اسلام، ناسازگار است. این دانش‌ها که ریشه در عقلانیت مدرن دنیا محور دارند، نه فقط نتوانسته‌اند پاسخی برای بحران‌های انسان معاصر داشته باشند، بلکه خود به بخشی از این مشکلات تبدیل شده‌اند.

اینجاست که نام «حکیم فرزانه» انقلاب، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، با درخششی ویژه خود نمایمی می‌کند. رهبر حکیم انقلاب اسلامی، از سال‌ها پیش از پیروزی انقلاب، دغدغه «اسلامی اندیشیدن در باب مسائل انسان و علوم انسانی» را داشتند. ایشان با نگاهی عمیق و راهبردی، مفاهیمی چون «سازندگی بنای علوم انسانی نوین»، «نظریه‌سازی در زمینه علوم انسانی» و «نهضت نرم‌افزاری» را مطرح کردند؛ مفاهیمی که امروز به دغدغه اصلی اندیشمندان جهان اسلام تبدیل شده است.

کتاب «درآمدی بر علوم انسانی اسلامی» (در اندیشه حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای)، نوشته سیدمهدی موسوی که انتشارات انقلاب اسلامی منتشر کرده است، تلاش می‌کند تصویری جامع و منسجم از این اندیشه ناب ارائه دهد. نویسنده با تکیه بر آثار مکتوب و شفاهی رهبر شهید انقلاب، نشان می‌دهد که علوم انسانی اسلامی چگونه می‌تواند زمینه‌ساز «حیات طیبه» و «تمدن نوین اسلامی» باشد.

یکی از خوانندگان این کتاب به درستی گفته است: «هرگاه مطلبی درباره این حکیم فرزانه می‌خوانم، فقط خدا را شکر می‌کنم که مراد دوران این بزرگ‌مرد آفرید. اجداد ما در دوران سلاطین سفاک و ظالم زندگی کردند و ما در این دوران...» و درباره فصل دوم کتاب که به شخصیت علمی ایشان اختصاص دارد، می‌گوید: «واقعا عالی بود و چقدر نویسنده محترم، مطالب را خوب جمع‌آوری و تألیف کرده بود.»

این کتاب را به همه پژوهشگران، دانشجویان علوم انسانی، مدیران فرهنگی و هرکه دغدغه تمدن‌سازی اسلامی دارد، پیشنهاد می‌کنیم. مطالعه آن یک ضرورت است، نه یک انتخاب.

مطالعه آن یک ضرورت است، نه یک انتخاب.

شهر آرا راهکارهایی از آیات و روایات برای حفظ آرامش در خانه را بررسی می‌کند

خانواده، سنگر آرامش در طوفان جنگ



سمانه رضوانی یک ماه و چند روز است که کشورمان در معرض جنگ تحمیلی آمریکا و رژیم صهیونیستی قرار گرفته است و همه ما در این جنگ به نوعی طعم از دست دادن را چشیده‌ایم؛ بعضی‌ها خانه‌هایشان، ویران شده است. بعضی مناطق کشور، جنگیده و موشک و پدافند را با گوشت و پوست و استخوانشان حس کردند و بعضی مناطق شکر خدا امن بود، ولی آنچه این روزها برای همه ما لازم است، این است که خانواده کانون اصلی آرامش باشد؛ مخصوصا برای کودکان که درک کمتری از شرایط دارند. وقتی والدین و بزرگ‌ترها بتوانند استرس و اضطراب را کنترل کنند، این حس امنیت به کودکان هم منتقل خواهد شد. در چنین شرایطی، مراجعه به سرچشمه آیات و معارف اهل بیت^(ع)، نه تنها راهگشاست، بلکه چراغ هدایتی است که مسیر دستیابی به آرامش پایدار را روشن می‌سازد.

گزارش

صبر و بردباری؛ اکسیر مقاومت در برابر فشارها

صبر، یکی از فضیلت‌های اخلاقی برجسته در اسلام است که نقشی حیاتی در مدیریت استرس و اضطراب ایفا می‌کند. قرآن کریم بارها مؤمنان را به صبر سفارش کرده است. خداوند می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ»؛ ای اهل ایمان! از صبر و نماز برای حل مشکلات خود و پاک ماندن از آلودگی‌ها و رسیدن به رحمت حق کمک بخواهید؛ زیرا خدا با صابران است. (بقره ۱۵۳) این آیه، صبر را در کنار نماز، ابزاری برای استعانت و یاری گرفتن از خداوند معرفی می‌کند و وعده همراهی پروردگار با صابران را می‌دهد. این وعده، اطمینان بخش‌ترین پیامی است که می‌تواند در لحظات دشوار، آرامش‌بخش و توان‌دهنده باشد. رسول اکرم^(ص) فرمودند: «الصبر نصف الإيمان؛ صبر نیمی از ایمان است.» استقامت و بردباری در برابر مشکلات، نه تنها باعث تحمل بهتر آن‌ها می‌شود، بلکه زمینه را برای رفع و گشایش مشکلات فراهم می‌آورد. در محیط خانواده، تمرین صبر نه فقط در شرایط خاصی مثل جنگ بلکه حتی در موقعیت‌های روزمره، مانند درک اشتباهات فرزندان، تحمل اختلافات زناشویی یا مواجهه با ناملایمات زندگی، می‌تواند به کاهش تنش‌ها و ارتقای سطح آرامش کمک کند. زن و شوهری که با صبر و مدارا با یکدیگر رفتار می‌کنند، فضایی امن و حمایت‌گرانه برای فرزندان خود فراهم می‌آورند که در برابر عوامل استرس‌زا واکنشینه شده‌اند.

انس باقرآن؛ تجلی نور الهی در زندگی

قرآن کریم، نه تنها کتاب هدایت و سعادت اخروی، بلکه شفا‌ی درد‌های دنیوی و مرهمی بر زخم‌های روانی انسان است. خداوند می‌فرماید: «وَنُفِّثُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَذِیْدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خُسَارًا»؛ و ما از قرآن، آنچه برای مؤمنان مایه درمان و رحمت است، نازل می‌کنیم و ستمکاران را جز خسارت نمی‌افزاید. (اسرا ۸۲) این آیه، قرآن را هم شفا و هم رحمت معرفی می‌کند، شفایی برای بیماری‌های جسمی و روحی و رحمتی که اضطراب و ناآرامی را از دل‌ها می‌زاید. انس با قرآن، چه از طریق تلاوت، چه تدبیر و چه عمل به دستورات آن، می‌تواند آرامشی عمیق و پایدار را در زندگی فرد و خانواده به ارمغان آورد. آیات قرآن، انسان را به یاد خدا و صبر و اعتماد، دعوت و از ناامیدی و یأس نهی می‌کنند. تدبیر در داستان‌های پیامبران که چگونه در سخت‌ترین شرایط با توکل بر خدا پیروز شدند، می‌تواند الهام بخش اعضای خانواده باشد. همچنین، عمل به دستورات اخلاقی و اجتماعی قرآن، مانند راستگویی، امانت‌داری و... محیطی سالم و آرام را در جامعه و به تبع آن در خانواده فراهم می‌آورد. تأکید اسلام بر اهمیت تلاوت قرآن در خانه، بیانگر نقش حیاتی آن در نورانی کردن فضا و دور کردن شیاطین و انرژی‌های منفی از محیط زندگی است.

توکل بر خداوند؛ سنگر مستحکم آرامش

مفهوم توکل در اسلام، صرفا یک باور قلبی نیست، بلکه یک رویکرد فعالانه به زندگی است که در آن، انسان با تمام وجود به خدا اعتماد کرده، نتیجه امور را به او واگذار می‌کند، درحالی‌که خود در مسیر انجام وظایفش تلاش می‌کند. قرآن کریم در آیات بی‌شماری بر اهمیت توکل تأکید می‌کند و می‌فرماید: «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ»؛ کسی که بر خدا توکل کند، خدا برایش کافی است. (طلاق ۳) این آیه به وضوح بیان می‌کند که خداوند برای هر کسی که به او توکل کند، کافی است. این کفایت الهی، اطمینان و آرامشی عمیق به فرد می‌بخشد که او را در برابر امواج استرس و اضطراب، بیمه می‌کند. در خانواده، تقویت روحیه توکل، نه تنها به والدین، بلکه به فرزندان نیز سرایت می‌کند و آنان را در مواجهه با سختی‌های زندگی مقاوم‌تر می‌سازد.

دعا؛ مژمه‌ای برای آرامش جان

دعا، رابطه‌ای معنوی و عمیق میان انسان و خدای اوست که نقشی بی‌بدیل در آرامش بخشی به روان انسان دارد. آیه ۲۸ سوره رعد این حقیقت را بیان می‌کند: «الَّذِي يَدْعُو اللَّهَ تَعَالَى الْقُلُوبُ»؛ این آیه آشکار می‌سازد که تنها با یاد خداست که دل‌ها آرام می‌گیرند. در زمانی که اضطراب و نگرانی بر انسان چیره می‌شود، رجوع به ذکر و دعا، راهی مستقیم به سوی آرامش است. دعا تنها درخواست حاجات نیست، بلکه اعتراف به عظمت پروردگار، ابراز وابستگی به او و طلب یاری از منبع بی‌کران قدرت و رحمت است. حضرت امیرالمؤمنین^(ع) می‌فرماید: «أَعِزَّ النَّاسُ مَنْ عَجَزَ عَنِ الدُّعَاءِ»؛ عاجزترین مردم، کسی است که از دعا کردن ناتوان باشد. در خانواده، اختصاص زمانی برای دعا و نیایش مشترک، می‌تواند پیوند معنوی اعضا را عمیق‌تر کرده، فضایی سرشار از آرامش و صمیمیت ایجاد کند. خواندن دعا‌های ۱۴ صحیفه سجادیه و دعای توسل و سوره فتح که امام شهید‌مان حضرت آیت‌الله خامنه‌ای سفارش کرده‌اند، علاوه بر تأثیر مثبت آن بر وضعیت جنگی و ان شاء الله پیروزی جبهه مقاومت، می‌تواند انرژی مثبت و آرامشی وصف‌ناپذیر را به خانه بیاورد.



دست‌های یک‌دست



آرام مسعودی
طبله و کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث

به دیگری و گفتن این حقیقت ساده است که وطن به مثابه مادر است. آیندگان خواهند دید که این استقامت فقط در شعار شب‌خیابان‌ها نبود، بلکه در سکوت صبور خانه‌ای بود که با هر نامه ناامیدی یا خبر سخت شهادت فرزندانمان، دوباره نور اعتماد را روشن می‌کرد.

صبر بلند و شجاعت ساده انسان است. اکنون که من این روزها زخم‌ها و امید‌ها را به دست قلم سپرده‌ام، با زبانی شاعرانه اما به واقعیت عینی پای می‌فشارم؛ ما اغراق نمی‌کنیم، اما حقیقت را با زیبایی معقول بیان می‌کنیم. زبان ما همچنان جاری است؛ گاه مانند رودخانه‌ای آرام، محبت وطن می‌گذرد و گاه مانند موجی، دیرپا را به لرزه می‌اندازد. و اینک تعهدمان روشن است؛ آینده این سرزمین نه در خاموشی صدای ظلم، بلکه در بلندای فریاد عدالت و کرامت انسان تثبیت می‌شود. آیندگان خواهند گفت که ما باهم ایستادیم؛ با صدای بلند شعار و با سکوت صبورانه دل. با دستی در دست یکدیگر و با چشم به افق روشن آزاد فردا. ما از جان و مال خود گذشتیم تا وطنمان را آزاد نگه داریم و تا آخر به این عهد پایبند بودیم که هیچ جفایی، هیچ ترور هدفمند بیگانگان، نمی‌تواند نور حقیقت ما را خاموش کند. ما هستیم و خواهیم ماند، حتی اگر جان و مال فرزندانمان نباشند.

به دیگری و گفتن این حقیقت ساده است که وطن به مثابه مادر است. آیندگان خواهند دید که این استقامت فقط در شعار شب‌خیابان‌ها نبود، بلکه در سکوت صبور خانه‌ای بود که با هر نامه ناامیدی یا خبر سخت شهادت فرزندانمان، دوباره نور اعتماد را روشن می‌کرد.

صبر بلند و شجاعت ساده انسان است. اکنون که من این روزها زخم‌ها و امید‌ها را به دست قلم سپرده‌ام، با زبانی شاعرانه اما به واقعیت عینی پای می‌فشارم؛ ما اغراق نمی‌کنیم، اما حقیقت را با زیبایی معقول بیان می‌کنیم. زبان ما همچنان جاری است؛ گاه مانند رودخانه‌ای آرام، محبت وطن می‌گذرد و گاه مانند موجی، دیرپا را به لرزه می‌اندازد. و اینک تعهدمان روشن است؛ آینده این سرزمین نه در خاموشی صدای ظلم، بلکه در بلندای فریاد عدالت و کرامت انسان تثبیت می‌شود. آیندگان خواهند گفت که ما باهم ایستادیم؛ با صدای بلند شعار و با سکوت صبورانه دل. با دستی در دست یکدیگر و با چشم به افق روشن آزاد فردا. ما از جان و مال خود گذشتیم تا وطنمان را آزاد نگه داریم و تا آخر به این عهد پایبند بودیم که هیچ جفایی، هیچ ترور هدفمند بیگانگان، نمی‌تواند نور حقیقت ما را خاموش کند. ما هستیم و خواهیم ماند، حتی اگر جان و مال فرزندانمان نباشند.

درنگ

روزها به کار و فعالیت اجتماعی مشغول‌اند و شب‌ها را به پاسبانی از وطن می‌گذرانند. شب آرام شهر با طنین الله اکبر روشن است و هر پنجره، چراغ کوچک امید را روشن می‌کند و پلی بین خانه و میدان، میان جان و جانشینی وطن است. فراموش کردن این خاک و خون این مردم، ممکن نیست. آیندگان خواهند گفت که ما چگونه با جان و مال و فرزندان خود، وطن را به جان خود نگه داشتیم و پاسدار شرف این سرزمین شدیم. پاسداری ما، نه فقط در خیابان‌ها که در هر خانه، هر کارگاه، هر مدرسه و در هر شب آرام پشت پنجره‌ها جاری بود. شبیه نفس اول بهار که از دل زمستان بیرون می‌آید و با هر نفسش، امید تازه‌ای را به زمین می‌رویانند. ما با هر قدم، با هر نگاه روشن، با هر صدای بلند شعار الله اکبر و با هر سکوت صبور دل‌مادران شهید، این وطن را نگه داشتیم و به آینده سپردیم.

آیندگان خواهند گفت که استقامت امروز مردم ایران از کجا آغاز شد؛ از جان سردکودکان محله تادست پرمادران در خیابان که با مشت‌های

گره‌کرده و اراده‌ای پرتوان. چراغ این سرزمین را روشن نگه داشتند، از نجوای شبانه در کوچه‌های بن‌بست که با فریاد هم‌بستگی به آسمان برخاسته بود، از نمازهای پنهان شبانه، از چله‌های فتح خوانی و توسل خوانی‌ها، از صدای بلند شعارها که در شهرهای پخش می‌شد و باران خشم ظلم را به سد غیرت می‌کشاند.

این استقامت، با هر قدم فرزندان این سرزمین، با هر نگاه استوار مادری که از جان خود می‌گذرد تا وطنش امن بماند، شکل گرفت. بی‌تردید، این صحنه‌ها، به یک تصویر مشترک تبدیل شدند که در ذهن نسل‌های آینده نقش می‌بندد؛ وطن‌ما ارزش دفاع همه وجودها را دارد و هیچ چیز مادی، هیچ تهدیدی نمی‌تواند آن را از ما بگیرد. شعر شهرهای ما، با واژه‌های ساده و تصاویر ملموس، بی‌اغراق اما با غریب‌الله اکبر می‌لرزد. شب‌ها تا صبح، قدم زدن در خیابان‌ها، نه برای تظاهری بی‌هدف، بلکه برای پیوستن